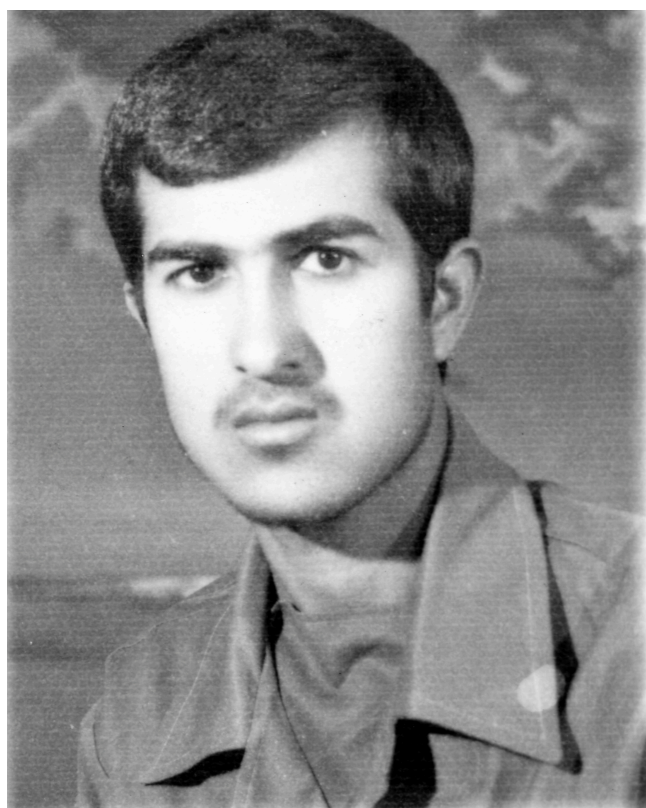


شهید سهراب بذله



از بستان علی
سازمان جامع سرواران و دختران شهید استان بوشهر

نام پدر	حسینعلی
تاریخ تولد	۱۳۴۲/۰۸/۰۱
محل تولد	بوشهر - دشتستان
تاریخ شهادت	۱۳۶۵/۱۱/۰۷
محل شهادت	سلمچه
مسئولیت	فرمانده گروهان
نوع عضویت	پاسدار
شغل	پاسدار
تحصیلات	سوم راهنمایی
مدفن	خوشمکان

زندگینامه

شهید سهراب بذله در تاریخ ۱۳۴۳/۸/۱ در خانواده ای مذهبی و مأنوس با قرآن و احکام با تقوا در روستای خوش مکان پا به عرصه وجود گذاشت. سهراب پس از گذراندن ۶ سال از عمر شریف خویش وارد دبستان شد. دوره ابتدائی را در دبستان منوچهری خوش مکان سپری کرد. و برای ادامه تحصیل در دوره راهنمایی راهی برازجان گردید. دوره راهنمایی را در مدرسه راهنمایی فرخی برازجان با موفقیت پشت سر گذاشت و با پایان یافتن دوره راهنمایی مقارن با آغاز حرکت چند میلیونی مردم ایران و لبیک آنان به ندای رهبر عظیم الشان انقلاب حضرت امام خمینی(ره) جهت مبارزه با طاغوت زمان بود. سهراب اولین نوجوانی بود که به صف تظاهر کننده گان و مبارزان پیوست. سهراب دست از تحصیل کشید و به فرمان پیر جماران که به امر تشکیل بسیج وارد بسیج شد و از بنیان گزاران پایگاه مقاومت خوش مکان بودند. نوجوانان زیادی جذب بسیج گردیدند و آموزش های لازم را فرا گرفتند. با شروع جنگ تحمیلی، سهراب دیگر تحمل و صبر نداشت که دشمن بعثی خاک میهن اسلامی را مورد تهاجم خویش قرار دهد. لذا همراه دیگر برادران بسیجی راهی جبهه های نبرد شد و در منطقه عملیاتی گیلان غرب به فعالیت رزمی پرداخت. پس از گذشت ۳ ماه در آن منطقه به منزل بازگشت و در سپاه پاسداران برازجان ثبت نام کرد و برای فراگیری فنون نظامی در پادگان شهید مسگر شیراز عزیمت نمود. در مدت ۳ ماه آموزش های لازم را فرا گرفته و به زادگاهش برگشته و پس از ۱۰ روز استراحت، مجدداً به جبهه های نبرد اعزام شد و در همین اثنا عملیات رمضان شروع شد که در این عملیات، سهراب موج خورده و از ناحیه گردن مورد اثابت ترکش قرار می گیرد. و به توصیه پزشکان ادامه معالجه در منزل صورت گرفت. سهراب به علت موج زدگرفتگی و زخمی که از ناحیه گردن برداشته بود، حدود یک سال توان رفتن به جبهه را نداشت. وی با اصرار خانواده در سال ۶۱ با دختری از خانواده ای مذهبی و متعهد به اسلام و انقلاب ازدواج کرد. و حاصل این ازدواج یک پسر دختر و دو دختر است. ایشان ده روز بعد از ازدواج در سال ۶۲ به جبهه اعزام گردید. و سمت معاونت گردان به فرماندهی حسن خواجه را به عهده داشتند. ۹ ماه در منطقه بودند. که گاهی مرخصی ۱ روزه می گرفتند و به دیدار خانواده می آمدند. پس از گذشت این مدت حدوداً ۴ ماه یا بیشتر، سرپرستی خانواده شهید صادق علی پور که اقوام همسرش بود را بر عهده داشت. ولی نتوانست در محل بماند و راهی منطقه عملیاتی فاو شد و در آنجا فرماندهی بسیجیان را که در آن خط مستقر بود بر عهده گرفت. و در همین موقع عملیات کربلای ۴ آغاز شد. دو همزمش بنام های اسماعیل بازیاری و احمد فقیه در منطقه عملیاتی کربلای ۴ مفقود الاثر شدند. سهراب به اتفاق پدر و عموی شهید اسماعیل بازیاری چند روزی در منطقه به جستجوی آنها پرداختند ولی اثری از آنان نبود. سهراب هنوز در منطقه عملیاتی بود که عملیات کربلا ۵ آغاز شد و سرانجام در همین عملیات در تاریخ ۶۵/۱۱/۷ در منطقه شلمچه بر اثر ترکش به کتفش به درجه رفیع شهادت نائل آمد. و به آرزوی دیرینه خویش رسید.

وصیت نامه

به نام خدا و درود به پیامبر بزرگ اسلام و منجی عالم بشریت مهدی موعود و نایب بر حقش خمینی بت شکن چند کلامی را به عنوان وصیت به خانواده ام و امت شهید پرور ایران در این کاغذ می نویسم. که امید است شما خانواده عزیزم و امت شهید پرور، جامع عمل برای انجام این وصیت بیوشید. ای پدر و مادر عزیزم، گر چه مرگ من برای شما خیلی سخت است ولی باید تحمل کنید. و از خدا بخواهید که به شما صبر عطا کند. چون ما از طرف خدا آمده ایم و باید به سوی او باز گردیم. ما چیزی از خودمان نداریم هر چه داریم از خداست و خدای نکرده یک وقتی حرفی نزنید که اجرتان ضایع شود. شما باید افتخار کنید که توانسته اید

فرزندى را تربیت کنید که در راه خدا کشته شود و در همه کارهایتان از خدای تبارک و تعالی کمک بگیرید و از فرمایشات امام امت خمینی بت شکن اطاعت کنید. که تنها راهی که انسان را به طرف خدا سوق می دهد راه امام امت است و در مجلس عزاداری من کاره هایی که روح مرا آزرده می کند انجام ندهید. نمی گویم گریه نکنید گریه کنید ولی یادتان به مظلومیت امام حسین (ع) در روز عاشورا باشد گریه کنید چون ما از امام حسین (ع) یارانش عزیز تر نیستیم و به برادرانم وصیت می کنم که راه مرا ادامه دهید تنها در راه انقلاب حرکت کنید و به همسرم وصیت می کنم که فرزندانم را خوب تربیت کند و به آنها بگوید، پدرتان را دشمنان اسلام کشتند تا از همین کوچکی با دشمنان اسلام دشمنی کنند. و وصیتم به امت ایران این است که گوش به فرمان امام باشد و هر فرمایشی که امام کرد اطاعت کنند و جبهه ها را خالی نگذارید و وصیتم به اهلی روستای خوش مکان که امید وارم عمل کنند. این است که بسیج را خالی نکنند. که این بسیج است که تمامی ابر قدرت ها از اسم آن هم می ترسند و تمامی دشمنان اسلام را به زانو در آورده است و در پایان پیروزی اسلام و مسلمین را از خداوند متعال خواهانم. خدایا، خدایا تا انقلاب مهدی خمینی رانگه دار، از عمر او بکاه و بر عمر رهبر افزا.

۲۹/۹/۱۳۶۵ سهراب بذله

مصاحبه

مصاحبه:

یکی از بزرگ ترین آرزوهایی ایشان کمک به مردمخ و پیروزی انقلاب بود تا سرانجام در همین راه به شهادت رسید. شهید همیشه دوست داشت که فرزندانسان فردی مهم در جامعه باشند و درس هایشان را بخوانند تا افراد تحصیل کرده ای در جامعه باشند و تنها انتظاری که شهید از من داشتند خوب تربیت کردن فرزندانمان بود. شهید نماز هایش را سر وقت می خواند و حتی الامکان در نمازهای جماعت شرکت می کردند. ایشان پیرو رهنمون های امام خمینی(ره) بودو همیشه به توصیه های ایشان توجه مینمود. با رو حانیت رابطه خوبی داشت.

خصوصیات اخلاقی شهید:

شهید سهراب بذله با خوشرویی و اخلاق خوش همه را به خود جذب می کرد ایشان علاوه بر اینکه به پدر ومادر خودش احترام می گذاشت به پدر ومادر من نیز همان طور نیز احترام می گذاشت. شهید طوری در روستا بر خورد می کرد که همه مردم روستا از ایشان به خوبی یاد می کردند. شهید زندگی بسیار ساده ای داشت و اصلاً به مادیات اهمیت نمی داد. ایشان همیشه عاشق جبهه و جنگ و روحانیت بود. وی وقتی که به مرخصی می آمد به دیدن اقوام و آشنایان می رفتند و تا حدودی هم مطالعه می کردند. ایشان همیشة در کارهای خانه به من کمک می کردند.



سازمان جامع اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران